



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱ مهر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام دوم: نظر به زن در آب و آینه- دلیل سوم تا ششم و بررسی آنها

مصادف با: ۴ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۸

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در مقام دوم سخن پیرامون نظر به مرأه در آب و آینه است. گفتیم سه قول در مسأله وجود دارد؛ قول اول که برخی از ادله آن ذکر شد، این بود که نظر به مرأه در آب و آینه جایز نیست مطلقاً. دو دلیل ذکر شد؛ چند دلیل دیگر باقی مانده که این ادله را هم ذکر می‌کنیم.

### دلیل سوم

دلیل سوم این است که در برخی از روایات و ادله حرمت نظر به اجنبیه، حکمت‌هایی ذکر شده که آن حکمت‌ها در نظر به آب و آینه هم مشاهده می‌شود. تعبیر روایت این بود: «یزرع فی القلب الشهوة»؛ یا روایت «النظر سهم من سهام ابلیس»؛ یا در برخی ادله و روایات آمده «یهیج الرجال فیدعوا الی النساء و یعقب الفتنه». اینها نمونه‌هایی از حکمت‌های حرمت نظر به مرأه است که در ادله حرمت نظر بعضاً مورد اشاره قرار گرفته است. این حکمت‌ها در جایی که نظر به مرأه به واسطه آب و آینه باشد هم پیش می‌آید؛ یعنی همان‌طور که نظر مستقیم به مرأه زرع الشهوة بود، نظر به مرأه و تصویر او در آینه نیز همین اثر را دارد؛ یا تعقب فتنه یا تهییج الرجال دارد، اینها در نظر به آینه و آب هم پیش می‌آید.

سؤال: ...

استاد: این روایاتی که دلالت بر حرمت نظر می‌کند عمدتاً این آثار و حکمت‌ها را بیان کرده‌اند. بنابراین به همین دلیل باید نظر به مرأه در آب و آینه هم حرام باشد.

### بررسی دلیل سوم

اما به نظر می‌رسد که این دلیل مخدوش است چون:

اولاً: همان‌طور که خود مستدل ذکر کرده، اینها حکمت‌های این حکم هستند؛ حال آنکه حکمت قابل تسری به غیر خودش نیست، مگر اینکه ما اینها را علت بدانیم که این محرز نیست. بله، این آثار و عوارض را دارد اما علت حکم نیست که دایر مدار وجود و عدم این امور باشد. لذا همان‌طور که خود مستدل ادعا کرده اینها حکمت هستند و حکمت نمی‌تواند دلیل شود و باعث شود که حکم به غیر این مورد سرایت کند. البته این بر فرض آن است که ما نظر به مرأه به واسطه المرأه و الماء را غیر از نظر به مرأه من دون واسطه بدانیم. اگر گفتیم اینها عرفاً یکی هستند، بله، این حکمت‌ها در این امور هم می‌تواند جاری شود؛ پس باز هم گردد به همان دلیل اول، یعنی عدم مغایرت بین این دو. اینجا خود به خود اطلاق ادله شاملش می‌شود و دیگر نیازی به این حکمت‌ها نیست.

ثانیاً: اساساً ذکر این حکمت‌ها خودش مُشعر به این است که کأن اینها در دلیل سوم دو عنوان و دو موضوع فرض شده‌اند؛ یک نوع مغایرت بین اینها فرض شده است. پس اشکال اول این است که اگر بگوییم نظر به مرأة من طریق المرأة و الماء همان نظر به مرأة است بدون این آلات و ابزار، نیازی به استناد به این حکمت‌ها نیست. ولی ظاهر این استدلال نشان می‌دهد که کأن این دلیل بر این پایه استوار شده که اینها یکی نیستند و مغایرند. اگر نگاه کردن به خود زن و نگاه کردن به زن در آینه و آب دو موضوع شدند، آن وقت این حکمت‌ها کافی نیستند برای اینکه ما حکم را از نظر به خود زن تسری دهیم به نظر در آب و آینه.

ثالثاً: از دو اشکال گذشته صرف می‌کنیم؛ سلّمنا که اینها دو موضوع‌اند و سلّمنا که این حکمت‌ها قابل تسری هستند. مشکل این است که این نهایتاً اثبات می‌کند حرمت نظر مع التلذذ و ريبه را. این حکمت‌ها به خوبی گواه بر این است که آن نگاهی که با تلذذ و ريبه باشد، آن نگاه است که «يزرع في القلب الشهوة»، آن نگاه است که «يهيج الرجال»، آن نگاه است که «يعقب الفتنة»؛ لکن بحث در این است که ما درباره مطلق نظر بحث می‌کنیم و بخصوص نظر من دون تلذذ و ريبه. این دلیل نمی‌تواند اثبات کند حرمت نظر به زن در آب و آینه را، به موی زن یا بازوانش من دون تلذذ و ريبه.

سؤال: ..

استاد: خوف الوقوع في الفتنة یک بحث دیگری است. ... فرض این است که ما می‌گوییم من دون تلذذ و ريبه ... این آقا استناد به چه کرده است؟ ... آنجا گفتیم که این حکمت‌ها در نظر مع الشهوة وجود دارد؛ تهییج الرجال، يدعوا الى الفساد، يعقب الفتنة ... نظر به مو بدون ريبه هم حرام است، نه اینکه لزوماً هر نظری به بدن زن ملازم با وقوع در فتنه است. یک تار موی زن بیرون بیاید و کسی به تار مو نگاه کند، چه خطر و فتنه‌ای دارد؟ این خطر در صورت نیست؟

سؤال:

استاد: حکم مسأله این است: النظر الى جسد المرأة مطلقاً حرام من دون تلذذ و من دون ريبه أو مع تلذذ و ريبه. پس این نشان می‌دهد که ممکن آن ينظر اليها من دون ريبه. شما می‌خواهید بگویید نمی‌شود ينظر اليها من دون ريبه. .... اگر اینطور بود آقایان نمی‌گفتند مطلقاً حرام است ولو من دون ريبه. پس معلوم می‌شود می‌توان تصویر کرد که النظر الى شعر المرأة و الى جسد المرأة من دون ريبه. چرا این نشود؟ پس اگر ما توانستیم تصویر کنیم فرضی را که ممکن النظر اليها من دون تلذذ و ريبه، معنایش چیست؟ قبلاً گفتیم که اتفاقاً این از ناحیه بعضی در چند جا مورد استدلال قرار گرفته حتی برای حرمت نظر به وجه و کفین؛ چون مسلماً اگر قرار باشد نظر این آثار را مطلقاً داشته باشد و ملازم باشند، نظر به صورت از همه بیشتر این چیز را دارد تا اینکه یک تار مو بیرون باشد. خیلی وقت‌ها ممکن است این امور اصلاً نباشد.

پس بنابراین این حکمت‌هایی که در این ادله ذکر شده، اساساً ما ادعایمان این است که این به مطلق نظر کار ندارد. این به دلیل همین حکمت‌ها، آن نظر مع تلذذ و ريبه را دارد می‌گوید و نه نظر خالی از تلذذ و ريبه؛ که آن وقت ما بخواهیم این را سرایت دهیم به مانحن فیه که موضوع بحث ماست.

سؤال:

استاد: عرض کردیم که این دلیل نمی‌تواند اثبات کند حرمت نظر به زن از طریق آب و آینه را؛ چون نهایتش این را در مورد خود زن مع تلذذ و ریبه ثابت می‌کند یا اطلاق دارد. لذا اینجا ما سه اشکال کردیم؛ می‌گوییم به دلیل این سه اشکال قابل قبول نیست.

#### دلیل چهارم

دلیل چهارم در واقع یک قیاس استثنایی است که از جواز نظر به زن در هنگام ادای شهادت و برای کسی که قصد نکاح و ازدواج دارد استفاده می‌شود. ما در بعضی از موارد می‌بینیم که گفته‌اند نظر به زن جایز است؛ این نظر به شعرش یا جسدش، یا نظر دقیق در هنگام ادای شهادت. اینکه حالا می‌خواهد شهادت بدهد یا کسی که می‌خواهد ازدواج کند بالاخره می‌تواند نظر کند به شعر المرأة. آنجا اساساً نگفته‌اند با آینه نگاه کند یا مثلاً او را کنار یک آب قرار دهد و تصویرش را در آب نگاه کند؛ گفته‌اند به خودش نگاه کند. از این چه می‌فهمیم؟ این قیاس استثنایی که از آن روایات استفاده می‌شود این است که اگر نظر به زن در آب و آینه حرام نبود و همانند نظر به خود زن محسوب نمی‌شد، در هنگام ادای شهادت و برای کسی که قصد تزویج دارد، به جای اینکه اجازه داده شود به خود زن نگاه کند، به او دستور داده می‌شد به تصویر او در آب یا آینه نگاه کند. در حالی که ما می‌بینیم چنین اجازه‌ای داده نشده است. اجازه نداده‌اند که در آینه یا در آب نگاه کند. این چه چیزی را می‌رساند؟ همین که متعرض این راه نشده‌اند معلوم می‌شود بین نظر به «مرأة فی المرأة و الماء» و نظر به «مرأة نفسها» فرقی نیست؛ اینها فرقی ندارند. بله، یک استثنایی شده و اجازه داده شده که نگاه کند؛ آن هم به خاطر آن غرض اهمی است که اینجا وجود داشته است. این می‌خواسته ازدواج کند و بالاخره باید می‌دیده که این کیست و چیست. یا می‌خواسته ادای شهادت کند، باید معلوم می‌شده آن اموری که در شهادت لازم است. پس معلوم می‌شود که اگر نظر به این زن در آب یا آینه جایز بود، وجهی برای تجویز نظر به خود او نبود. این معلوم می‌شود که فرقی بین این دو نیست و این دو یک ماهیت و حقیقت دارند.

استاد: معلوم می‌شود فرقی بین این دو وجود ندارد. اگر بین اینها فرق بود و اگر دو چیز بودند، حضرت در مرتبه اول می‌گفت به آینه نگاه کنند و بعد اگر نبود، به خودش نگاه کنند.

سؤال:

استاد: اینجا اصلاً بحث این است که می‌خواهند بگویند این تصویر نیست. می‌خواهند بگویند فرقی بین اینها نیست. یعنی النظر الی المرأة و النظر الی المرأة بالمراة هیچ فرقی ندارد. در دلیل ششم داریم که مثلاً در مورد خنثای مشکل گفته‌اند که برای تمیز رجولیت یا انوثیت از طریق آینه نظر به عورت او کنند؛ در این رابطه یک روایتی داریم که البته این روایت هم یک پاسخی دارد.

در مجموع این استدلال، استدلال قابل توجهی است که همین که توصیه نکرده‌اند به استفاده از آینه یا مرآة، این خودش حاکی از آن است که فرقی بین نظر مع الواسطة آن هم بواسطة الماء أو المرأة و نظر من دون واسطة نیست.

سؤال:

استاد: مگر اینکه شما بگویید اگر اجازه می‌داد با مرآه هم نگاه کند، این مثلاً ضرورت بوده است. تنها چیزی که می‌شود گفت این است که حتی اگر توصیه به استفاده از آینه و آب هم می‌کرد، این در واقع می‌توانست حمل بر ضرورت شود. آیا واقعاً این ضرورت است؟ کسی که می‌خواهد ازدواج کند ضرورت دارد ببیند؟ ... آنها برای اینکه اهتمام شارع را نشان دهد و غرض اهم داشته، به خاطر این غرض اهم این را اجازه داده است. ... اینجا جزء مستثنیات است؛ یعنی به خاطر عروض یک عنوان اهم، اینها مستثنی شده است. اگر آن را ذکر می‌کرد، می‌شد از آن استفاده کرد.

### دلیل پنجم

دلیل پنجم، صحیحه ابی حمزه ثمالی است: «عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا إِمَّا كَسْرٌ وَإِمَّا جُرْحٌ فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظْرُ إِلَيْهِ يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ أَوْ يَصْلُحُ لَهُ النَّظْرُ إِلَيْهَا قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالَجْهَا إِنْ شَاءَتْ»<sup>۱</sup>. این روایت را در گذشته مکرراً خوانده‌ایم و درباره آن بحث کرده‌ایم. ابی حمزه ثمالی می‌گوید از امام باقر (ع) درباره زن مسلمانی سؤال کردم که یک شکستگی یا زخمی در بدن او و آن هم در جایی که لایصلح النظر الیه پیش آمده است. یک وقت روی دست شکستگی و زخم پیش می‌آید ولی یک وقت روی بازو یا روی سینه یا شکم است. این زخم و شکستگی هم یک نحوی است که مرد بهتر می‌تواند علاج و مداوا کند. نمی‌گوید معالج زن نیست؛ می‌گوید مرد بهتر می‌تواند معالجه کند. آیا این مرد می‌تواند به آن موضع و به آنجایی که لایصلح النظر الیه به خاطر این شکستگی و زخم نگاه کند؟ امام (ع) می‌فرماید اگر اضطرار پیدا کند، اگر زن خواست می‌تواند آن مرد او را علاج کند.

تقریب استدلال به این روایت را عرض کنیم و بعد ببینیم آیا اشکال دارد یا نه. تقریب استدلال به این روایت این است که می‌گوید اگر نظر به زن در آب و آینه جایز بود، اول امام (ع) ارجاع به آب و آینه می‌کرد و می‌گفت بوسیله آب یا آینه نگاه کند، آن‌گاه اگر نبود و نمی‌شد، می‌فرمود مثلاً مستقیماً نگاه کند. در حالی که ما می‌بینیم از ابتدا ارجاع شده به نظر مستقیم؛ یعنی گفته نگاه کند و جواز نظر بدون واسطه ثابت شده است. اینکه به آب و آینه ارجاع نشده و ابتداءً حکم به جواز نظر در آب و آینه مع الاضطرار نشده، معلوم می‌شود نظر به زن در آب و آینه جایز نیست و فرقی بین اینها نیست. بالاخره اضطرار که باشد، نظر جایز است. پس تقریب استدلال بر این اساس استوار است و این هم یک قیاس استثنایی است که اگر نظر به زن در مرآه و ماء جایز نبود، ابتداءً حکم به جواز نظر بدون واسطه نمی‌شد؛ و همین که می‌بینیم بدون واسطه حکم به جواز نظر شده، این حاکی از آن است که نظر به زن در آب و آینه جایز نیست، بر اساس و فرمولی که در هر قیاس استثنایی وجود دارد.

اشکال اصلی این دلیل در ملازمه‌ای است که در مقدمه اول بین مقدم و تالی برقرار کرده که اگر نظر به زن در آب و آینه جایز بود، اول به آن ارجاع می‌شد؛ چنین ملازمه‌ای وجود ندارد. اگر فرض کنیم نظر به آب و آینه جایز بود، آن وقت دیگر اضطرار صدق نمی‌کرد. فرض ما آنجایی است که اضطرار است و آن حالت اگر متصور باشد، دیگر اصلاً صدق اضطرار نمی‌کند.

سؤال:

استاد: «إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالَجْهَا»، یعنی اگر اضطرار پیدا کند به اینکه نظر به او شود، آن مرد می‌تواند او را معالجه کند.

<sup>۱</sup>. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۲۰، ص ۲۳۳، أبواب ابواب مقدمات النکاح و ادابه، باب ۱۳۰، ح ۱، ط آل البیت.

## دلیل ششم

دلیل ششم، روایاتی است که در مورد خنثای مشکل وارد شده است. این روایت را مرحوم شیخ و کلینی نقل کرده‌اند؛ براساس این روایت یحیی بن اکثم از امام (ع) در مورد خنثای مشکل سؤال می‌کند که چگونه ما او را تمیز دهیم؛ حضرت می‌فرماید: عند البول از یک زاویه‌ای با آینه نظر به عورت او کنند تا معلوم شود مرد است یا زن. نظر به عورت قطعاً جایز نیست اما گفته‌اند با آینه می‌تواند نگاه کند تا تشخیص دهد. می‌خواهند بگویند کسانی که معتقدند نظر به زن جایز نیست، نه به خودش و نه بالمرآة. عند الضرورة با آینه می‌تواند به جایی که در غیر ضرورت نمی‌تواند نظر کند، نگاه کند.

## بررسی دلیل ششم

به همان بیانی که در آن دو مورد قبلی گفتیم، از آن روش می‌خواهند استفاده کنند ولی به نظر می‌رسد که واقع این است که دلالت بر حرمت نظر ندارد و اتفاقاً دلالت بر جواز دارد، آن هم عند الضرورة. یعنی حتی اثبات جواز در شرایط عادی هم نمی‌کند. بله، فقط از باب اینکه از ضرورات تتقدر بقدرها، یک تقدمی نسبت به نظر به زن در آینه بر نظر به خود زن می‌توان استفاده کرد.

لذا مجموعاً از آنچه که تا به حال ذکر شد، این شش دلیلی که بر عدم جواز نظر به زن در آب و آینه اقامه شده، بعضی از این ادله دلالت بر عدم جواز می‌کند. عمده دلیل اول و سوم بود. می‌توانیم بگوییم که لایجوز النظر الی المرأة من طریق المرأة و الماء.

دو قول دیگر اینجا باقی مانده است؛ قول به جواز مطلقاً و قول به تفصیل. این دو قول را در جلسه آینده بررسی می‌کنیم و از مقام دوم عبور می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»